

منصور کلاه کج*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۰/۱۰

بررسی سیر تکامل بصری تمدن عیلامی از منظر تجسمی

چکیده:

منطقه‌ی جنوب غرب ایران با یافته‌های مصوری به قدمت بالغ بر ۶۰۰۰ سال به مرکزیت شوش، به تمدن عیلامی شناخته شده است. این منطقه زیستگاه مردمی بوده که سهم قابل توجهی در رشد، تعالی و گسترش تمدن بشری داشته است. همسایگی تمدن عیلامی با تمدن‌های مهمی چون اکد، بابل، سومر و سپس آشور که تحولات بصری پراهمیتی را در دوره‌ی حیات خود شاهد بوده و در شمار نقش‌آفرینان مهم توسعه‌ی تمدن بشری از هزاره پنجم تا هزاره اول پیش از میلاد بوده‌اند، جایگاه و اهمیت این منطقه و مردم را بر ما روشن‌تر می‌نماید. با توجه به این سابقه و بر اساس مستندات موجود و تاریخ‌گذاری شده توسط باستان‌شناسان، در آثار به دست آمده این منطقه‌ی تمدنی، گونه‌ای از رشد و تکامل بصری و محتوایی به چشم می‌خورد که قابل بررسی و حائز اهمیت است. با توجه به این مهم و به منظور شناخت و آگاهی از نقش کشورمان در فرهنگ تصویری جهان، هدف این مقاله آن است که سیر تدریجی رشد و تکامل تصویر را در حوزه‌ی حیات این تمدن مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. مسأله‌ی این تحقیق عبارت است از: بررسی سیر تکاملی رشد تصویری تمدن عیلامی بر اساس تطبیق با آموزش هنرهای تجسمی امروزی با توجه به تاریخ‌گذاری آثار این تمدن توسط باستان‌شناسان. یافته‌های این مقاله نشان دهنده‌ی آن است که اولین آثار منسوب به تمدن عیلامی از اشکال هندسی تزئینی آغاز گشته و سپس با گرایش به استلیزه و خلاصه‌سازی و گونه‌ای از اغراق به حیات خود ادامه داده و در پایان حیات خود در آثار بصری این تمدن گونه‌هایی از پرداخت واقع‌گرایانه و روایت‌های توصیفی مانند تصویرسازی‌های امروزی در قالب آثار مختلف از جمله لوح‌ها، مهرها، سنگ‌نگاره‌ها، و جام‌ها پدیدار گشته است. این مقاله به گونه‌ی تحلیلی و با ارائه‌ی مستندات و به روش کتابخانه‌ای به بیان موضوع می‌پردازد.

کلید واژه‌ها:

تصویر
آثار
عیلام
لوح
جام
مهر

عضو هیأت علمی دانشکده‌ی هنر دانشگاه شهید چمران اهواز*

mansor.kolahkaj@gmail.com

مقدمه

بر اساس داده‌های باستان‌شناسی، منطقه‌ی جنوب غربی ایران و دشت‌های میان رودان که به نام هلال حاصل‌خیزی شناخته می‌شدند از اولین مکان‌هایی بود که انسان در آن یک جانشینی را آغاز کرد و توانست خوراک خود را تولید کند. عامل یک‌جانشینی، اهلی کردن برخی از حیوانات و گیاهان، سبب افزایش جمعیت و مبادله‌ی کالاها گردید و این تحول اساس به وجود آمدن اولین شهرهای جهان در سال‌های ۴۰۰۰ - ۳۵۰۰ قبل از میلاد گردید. تمدن‌های این منطقه که به واسطه‌ی بهره‌مندی از رودهای فراوان، آفتاب گرم و خاک مناسب، شکل گرفتند، گونه‌ای از مدنیت و شهرنشینی را آغاز کردند که نقش مهمی در توسعه‌ی فرهنگ بشری داشتند. اولین قانون مکتوب بشری (لوح حمورابی)^۱، پیدایش خط^۲ و اولین چرخ سفالگری^۳ و بسیاری از دستاوردهای دیگر به دنبال یک جانشینی این تمدن‌ها به بشریت اهدا گردید. بخش ایرانی این تمدن در منطقه‌ی جنوب غربی ایران و به همسایگی تمدن‌های عظیمی چون بابل، سومر و سپس آشور به عنوان تمدن عیلامی، با مرکزیت شوش به حیات خود ادامه داد. با نگاهی به آثار مصور تمدن عیلامی گونه‌ای از تکامل تدریجی و رشد تکنیکی و محتوایی را در آثار آن شاهد هستیم که نشان دهنده‌ی رهیافت این تمدن به سوی تعالی و تکامل است؛ سیری منطقی که در ابتدا از تصاویر ساده‌ی هندسی و با روش‌های اجرایی ابتدایی شروع شده و در طول تاریخ بالغ بر چهار هزار ساله‌ی^۴ خود به گونه‌ای از بلوغ، نبوغ و پیچیدگی می‌رسد.

با توجه به این مطالب، در این مقاله قصد بر این است تا تصاویر مصور و منقوش منسوب به تمدن عیلامی که توسط باستان‌شناسان، موزه‌داران و پژوهش‌گران عیلام‌شناس ارائه شده‌اند از منظر تجسمی بررسی شوند. منظور از منظر تجسمی در این مقاله، بررسی کاربرد عناصر شناخته شده و اولیه‌ی طرح و تصویر مانند، نقطه، خط، سطح، بافت و غیره است که، در کلاس‌های درس امروزی مبانی هنرهای تجسمی موضوع تمرینات دانشجویان رشته‌های مختلف هنری است. همان‌گونه که در ادامه‌ی این مقاله شاهد خواهیم بود بررسی تمدن عیلامی توسط باستان‌شناسان و تاریخ‌نگاران این نکته را بر ما روشن می‌نماید که رشد و تعالی تصویر، در آثار مصور این تمدن بیان‌گر نوعی تسلسل منطقی و گام‌به‌گام است؛ از دیگر سو در بخش محتوایی و موضوعات تصاویر و آثار نیز، شاهد این آهنگ هستیم به‌گونه‌ای که محتوای آثار از عناصر و تصاویر موضوعی ساده شروع می‌شود، سپس به روایت‌های توصیفی منجر می‌گردد. تحلیل و نتیجه‌گیری این مقاله به استناد تاریخ‌گذاری باستان‌شناسان، موزه‌داران، عیلام‌شناسان و مستشرقین بنامی چون پیرامیه^۵، والتر هینتس^۶، جورج کامرون^۷، رومن گیرشمن^۸، یوسف مجید زاده، مرحوم عزت‌الله نکهبان، لوئی لوبرتون^۹، خانم هلن کانتور^{۱۰}، خانم ادیث پرادو^{۱۱}، آرتور آپهام پوپ^{۱۲}، فیلیس آکرمن^{۱۳} و سایر عیلام‌شناسانی است، که ذکر نام آن‌ها از موضوع این مقاله خارج است.

به طور کلی مسائل پیش روی این مقاله با توجه به حیات حدود ۴۰۰۰ ساله‌ی تمدن عیلامی بدین شرح است: ۱- سیر تکامل تصویر و شکل‌گیری آن در تمدن عیلامی با تطبیق آموزش

هنرهای تجسمی امروزی چگونه بوده است؟ ۲- در طول حیات بالغ بر ۴۰۰۰ ساله‌ی این تمدن در موضوعات تصاویر چه تحولی رخ داده است؟ ۳- روش اجرایی آثار مصور این تمدن چه تغییراتی را در طی این دوران شاهد بوده است؟

پیرامون سابقه‌ی عنوان این موضوع بر اساس جستجوی نگارنده مطلبی به دست نیامده است، گرچه از سوی باستان‌شناسان خارجی و ایرانی کتب و مقالات متعددی در خصوص تمدن عیلامی وجود دارد که از دیدگاه‌های مختلف به آثار مصور این تمدن پرداخته شده است. همچنین پس از رشد تحویلات تکمیلی در کشور ظرف ۲۰ سال گذشته مقالات و جستجوهای متعددی پیرامون جنبه‌های مختلف هنری تمدن عیلامی نوشته شده است. باید اذعان نمود که آثار این تمدن آن چنان گسترده و وسیع است که ابعاد مختلف آن تا سال‌های متمادی می‌تواند موضوع کار هنر دوستان و پژوهندگان این رشته باشد. پیرامون ضرورت و وجوب این موضوع، همین بس که در بسیاری از کتب تاریخ هنر داخلی و خارجی جای این تمدن بزرگ خالی است و برای بسیاری از مردم سرزمین ما و نیز بسیاری از کسانی که مخروبه‌های این تمدن زیست‌گاهشان است، همچنان ناشناخته و مکتوم است.

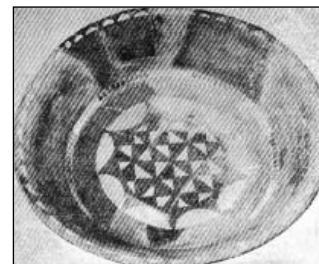
سیر شکل‌گیری تصویر در تمدن عیلامی

به اعتقاد باستان‌شناسان قدیمی‌ترین آثار مصور شناخته شده‌ی خارج از مرزهای ایران سابقه‌ی بالغ بر ۱۷۰۰۰ ساله دارد. این آثار در مناطقی از اروپا از دیواره‌ی غارهای لاسکو به دست آمده است. پس از آن آثار مصوری که به گمان باستان‌شناسان قدمت آن‌ها به حدود ۱۲۰۰۰ سال (ق.م) می‌رسد، در غار میرملاس لرستان به دست آمده است. در خاور نزدیک در نزدیکی شهر اریحای اردن کنونی بقایای تمدنی به قدمت ۸۰۰۰ سال (ق.م) دیده شده است که آثار متعددی از جمله پیکره‌های سنگی انسانی و تصاویری از صحنه‌ی شکار در میان این آثار وجود دارد. منطقه‌ی چتل‌هویوک ترکیه نیز از مناطقی است که آثاری مربوط به ۷۰۰۰ سال (ق.م) در قالب پیکره‌های کوچک اندام جانوران در آن‌جا دیده شده است؛ این تمدن مرفه و آشنا به فنون مختلف سفالگری سرانجام در ۵۷۰۰ (ق.م) رو به افول گذاشت. گمان باستان‌شناسان بر این است که ساکنان این تمدن به منطقه‌ی بین‌النهرین مهاجرت نموده‌اند. پس از آن، تمدن‌های سومری و اکدی در بین‌النهرین پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند، این تمدن‌های پیشرفته که در شهرهای خود دارای مراکز و شهرهای آباد بودند در کنار دیگر تمدن‌های همسایه به حیات خود ادامه دادند و تأثیر قابل توجهی در رشد و شکوفایی زندگی بشری ایفا کردند. تمدن ناشناخته‌ی عیلامی در همسایگی تمدن‌های سومر و اکد پا به عرصه‌ی وجود گذاشت و این همسایگی موجب تأثیر و الهام‌گیری هنرمندان این تمدن‌ها از یکدیگر گردید. «تزیین ظروف با نقش جانور یکی از ابتکارات هنرمندان فلات ایران بوده که طی دوره‌های مختلف هر از گاهی برخی از سفال‌گران بین‌النهرین آن را به کار می‌بردند.» (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۲). گونه‌های این تأثیر و همگرایی در میان بسیاری از آثار تمدن‌های منطقه‌ی بین‌النهرین وجود دارد.

پیرامون به وجود آمدن تمدن عیلامی نظرات متعددی وجود دارد، برخی از باستان‌شناسان هزاره‌ی چهارم (ق.م) را به عنوان تاریخ به وجود آمدن این تمدن می‌شناسند و برخی دیگر هزاره‌ی سوم؛ لیکن در خصوص پایان حیات این تمدن (سال ۶۴۰ ق.م) در میان غالب باستان‌شناسان اتفاق نظر وجود دارد. به اعتقاد باستان‌شناسان قبل از این تاریخ، پروتو عیلامی‌ها در این منطقه می‌زیسته‌اند و «دوره‌ی عیلام پس از دوره‌ی پروتو عیلامی شروع شده است.» (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۶۴). از مجموع نظرات باستان‌شناسان چنین استنباط می‌شود که شروع حیات پروتو عیلامی‌ها اوایل هزاره‌ی پنجم را در بر بگیرد. به طور کلی «تاریخ عیلام با توجه به معاصرین خود مانند

بابل، آشور، مصر عصر فراعنه و هیتی‌های آسیای صغیر به سه دوره‌ی عیلام قدیم، عیلام میانه و عیلام جدید تقسیم می‌گردد.» (همان). با این حال، در این مقاله از تاکید بیشتر بر اسامی و دوره‌های تاریخی عیلام به علت تکرر آرای باستان‌شناسان صرف نظر می‌شود. «به استناد مطالعات موجود، باستان‌شناسان هنوز موفق به شناسایی محدوده‌ی کامل جغرافیایی هیچ یک از مناطق فرهنگی پیش از تاریخ در ایران نشده‌اند و اظهار نظرهای امروزی فقط از حد حدس و گمان فراتر نرفته است.» (مجید زاده، ۱۳۷۶: ۲). اطلاعات ناقص ما از جغرافیای تاریخی تمدن عیلامی از کمبود مدارک مکتوب و عدم شناخت تمامی سرزمین‌های این امپراتوری ناشی می‌گردد. «گستره‌ی سرزمین عیلام باستان بر اساس تقسیمات جغرافیای سیاسی امروزی، سرزمین خوزستان، فارس و بخش‌هایی از استان کرمان، لرستان و کردستان را در بر می‌گرفت» (همان). به نقل از کتاب تاریخ عیلام مجیدزاده^۴ مناطق مرتفع عیلامی هنوز به خوبی شناخته نشده‌اند چرا که بررسی‌ها و حفاری این مناطق در سال‌های اخیر به صورت منظم و علمی در آمده است، بنابراین غالب منابع موجود در مورد تاریخ عیلام با تأکید بر شوش است. تمدن عیلامی با مرکزیت شوش پرتو نورانی خود را از همین منطقه به جهان نمایاند.

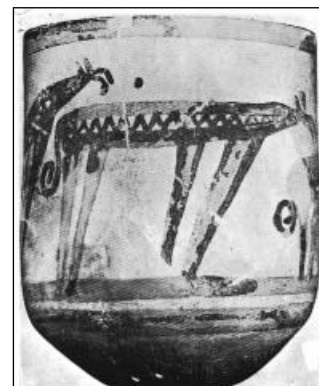
عمده‌ی آثار مورد اشاره در این مقاله؛ آثاری هستند که در گستره خوزستان کنونی و غالباً از شهرهای شوش و هفت تپه و پس از آن شمار اندکی نیز در ایذه، رامهرمز و بهبهان به دست آمده است. همان‌گونه که اشاره شد در آثار به دست آمده از تمدن عیلامی، گونه‌ای از تسلسل فرهنگی دیده می‌شود که در دوره‌های مختلف این تصاویر و آثار در قالب موضوعات متنوعی خلق شده‌اند. به طور کلی آثار مصور عیلامی ظروف مختلف و سفال‌ها، پیکره‌سازی، نقش برجسته، مهرهای استوانه‌ای، اشیاء فلزی، کاشی‌سازی، نقش برجسته‌های مفرغی، پیکره‌های ساخته شده از طلا و طلای سفید، نقوش برجسته سنگی، آجرهای قالبی تزئینی، پیکره‌های سنگی، پیکره‌های گلی سردیس‌های تدفینی و نقوش برجسته و صخره‌ای را شامل می‌شود (مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۶۴-۹۷). با توجه به موضوعات تصویری اشاره شده، در آثار مصور این تمدن نمونه‌های گوناگونی از نقوش و عناصر تصویری وجود دارد که کاربردهای مختلفی داشته است. مجموعه تصاویر این تمدن شامل تصاویری با محتوای توصیفی و روایت‌پردازی و هم‌چنین تصاویری با جنبه‌های کاربردی مانند برچسب کالا، نگه‌داری و انبار کردن غلات، پیکره‌های تزئینی و دیواره‌های معابد می‌باشد. «بر اساس تقسیم‌بندی باستان‌شناسان اولین آثار به دست آمده تمدن عیلامی مربوط به اواخر هزاره‌ی پنجم (ق.م) می‌باشد که در تپه‌ی جویی شوش به دست آمده است» (پیرآمیه، ۱۳۷۲: ۷۹). تصویر (۱). تصاویر منقوش در ته این ظرف تو گود، ترکیبی از اشکال هندسی تزئینی به وجود آمده از مثلث و نیم دایره است. ترکیبات مثبت و منفی درون این ظرف تمرینات آموزشی دروس مبانی هنرهای تجسمی در رشته‌های هنر را در ذهن یادآور می‌سازد. اثر دیگر تصویری است که در ته ظرفی نقاشی شده است، در این ظرف شمایل خلاصه شده‌ی مرد کمانداری دیده می‌شود که با ترکیب و کاربرد اشکال هندسی از جمله مثلث شکل گرفته است، در فضای مثبت و منفی این اثر مانند شکل قبلی نقش مثلث به وضوح نمایان است. تصویر (۲). به نظر باستان‌شناسان در مقطع زمانی حدود ۴۰۰۰ (ق.م) حرکت تازه‌ای در آثار تمدن عیلامی پدیدار می‌گردد که در تصویر شماره‌ی (۳) جزئیات آن به چشم می‌خورد. این تصویر که روی یک سفال نقش بسته است، حیوانی را به نمایش می‌گذارد که عناصر بصری آن ترکیبی از خطوط راست، زاویه‌دار و مدور است. فضای منفی خطوط زاویه دار به وجود آورنده نقشی مثلث شکلی است که در اشکال قبلی نیز دیده است. این اثر مانند اثر قبلی فاقد ظرافت اجرایی است. نوع اجرای



تصویر ۱:
بشقاب تو گود
اواخر هزاره پنجم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیر آمیه)



تصویر ۲:
مرد کماندار
اوایل هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: کتاب تاریخ عیلام (پیر آمیه)



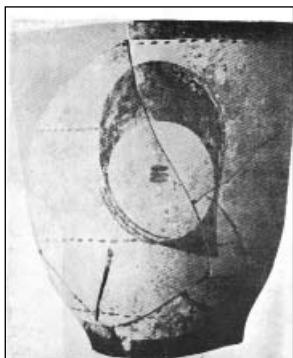
تصویر ۳:
ظرف اندازه گیری (کیل)
۴۰۰۰ قبل از میلاد
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیر آمیه)



تصویر ۴
ظرف تو گود
اواسط هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیر آمیه)



تصویر ۵
ظرف انداره گیری
اواسط هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیر آمیه)



تصویر ۶
کاسه گود
نیمه اول هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: کتاب تاریخ عیلام (پیر آمیه)

خطوط زاویه‌دار این اثر در تصاویر قبلی و بعدی نیز دیده نشده است. تحول قابل توجه در حدود ۵۰۰ سال بعد در آثار این منطقه مربوط به تصویر شماره‌ی (۴) است در این دوره‌ی زمانی، ارائه تصاویر متفاوت می‌گردد به گونه‌ای که ترکیبی از نقوش حیوانی و انسانی در تزیینات ظروف پدیدار می‌گردد. به نظر می‌رسد از این دوره به بعد شاهد شکل‌گیری الهه‌ها و رب‌النوع‌ها در باورهای مردم این ناحیه‌ی تمدنی باشیم. علاوه بر این وجود ریتم، تعادل و تقارن عناصر بصری در این ظرف در نوع خود قابل توجه است. مشخصه‌های دیگر این اثر، وجود حیوانی چون گوسفند با بال و پشم‌های بلند و شانه مانند و حیوانی دیگر نظیر عقاب است. این تصاویر و ترکیب آن‌ها با خطوط و سطوح در مرکز این ظرف همه ناظر بر حرکت بصری جدیدی در این دوره‌ی زمانی است. بر اساس چیدمان و تاریخ‌گذاری تصاویر در کتاب «آمیة» روشن می‌گردد که در اواخر هزاره‌ی پنجم که اولین اشکال با ترکیبات هندسی به دست آمده است، پس از یک دوره‌ی ۱۰۰ ساله اشکال انسانی در آثار هویدا می‌گردد و در ادامه‌ی آن پس از حدود ۴۰۰ سال ترکیبی از اشکال انسان و پرندگان و سایر حیوانات با ترکیب اشکال هندسی دیده می‌شود. مجموعه‌ی تصاویر موجود در تصویر شماره (۴) و هم‌نشینی آن‌ها در کنار یک‌دیگر ترکیب موزونی را با توجه به تنوع شکلی آن‌ها به نمایش گذاشته است. به نظر می‌رسد هنرمند آن زمانه در طراحی اثر خود در پی ایجاد القای حس بصری یگانه و واحد از عناصر درون ظرف بوده است. تصویر شماره‌ی (۵) که بر بدنه یک ظرف لیوانی شکل نقش بسته است نقش ماری را نشان می‌دهد که سر مار آن به شکل مثلث ترسیم شده است. اضافه شدن عنصر تصویری نقطه مانند و ناپیوسته در خطوط محیطی شکل مار که در آثار عیلامی تاکنون سابقه نداشته، موضوع جدیدی است که در این اثر به چشم می‌خورد. تصویر شماره‌ی (۶) تصویر دیگری است که رشد و بلوغ هنرمندان عیلامی هزاره‌ی چهارم را به نمایش می‌گذارد. عنصر بصری و تجسمی تازه‌ی این اثر، وجود خطوط نقطه چین پرفراژ^{۱۵} مانند است که در زمینه‌ی اثر به صورت افقی وجود دارد. نکته‌ی قابل توجه و مهم این اثر، تأکید هنرمند آن بر شاخ حیوان است، به گونه‌ای که شاخ را که نماد قدرت دفاعی، جنگندگی و مشخصه‌ی بارز حیوانی مانند بز می‌باشد برگزیده شده و مانند نشانه‌های امروزی بر آن تأکید شده است. خطوط افقی که در بدنه‌ی ظرف وجود دارد خطوط گرید^{۱۶} امروزی را که در صفحه آرای و خوشنویسی کاربرد دارد، به ذهن متبادر می‌سازد. موضوع مهم و قابل توجه دیگر در آثار تصویری تمدن عیلامی، کاربرد شکل مثلث و اشکال نزدیک به آن است که در هزاره‌ی چهارم به وفور کاربرد داشته است، به نظر می‌رسد که این شکل نقش مهم و ویژه‌ای در آثار عیلامی به مانند سایر تمدن‌های دیگر داشته است. تکرار و استفاده‌ی بیش از اندازه‌ی هنرمند آن زمان از این شکل در خلاصه‌سازی و یا به سبکی خاص در آوردن (استلیزه)^{۱۷} اشکال انسانی ناظر بر این مدعا می‌باشد، بر همین اساس باید گمان برد که تقلید در آثار عیلامی امری کاملاً آگاهانه و مبتنی بر منظوری خاص بوده است. شاید بتوان این نقل و قول از «والترهینتس» را که: «عیلامیان عادت داشته‌اند برای مشغول کردن خود یک کلمه را بارها و بارها حک بکنند و آن‌گاه آن را بپزند و بر دیوارهای معبد نصب کنند.» (والترهینتس، ۱۳۷۴: ۴). به موضوع این تصاویر نیز تسری داد. تصویر دیگر مورد بررسی در این بخش تصویر شناخته شده‌ی لیوان شوش است که به اعتقاد بسیاری از باستان‌شناسان و هنر پژوهان اوج اعتلا و تکامل تصویری تمدن عیلامی را در اواسط هزاره‌ی چهارم به نمایش می‌گذارد.

بررسی مجموعه تصاویر این ظرف نشان می‌دهد که هنرمند آن زمانه در کوششی هدف‌مند ترکیبی زیبا و گیرا از مجموعه عناصر بصری را در سطح این ظرف به نمایش

گذاشته است. ریتم و حرکت در پاهای موجودی به شکل پرنده در نوار دور بالا، کشیدگی و حرکت بدنی حیوانی شبیه سگ در نوار میانی اثر و تصویر گرافیکی بز در مرکز این لیوان و مجموعه‌ی این‌ها ترکیب تجسمی جدیدی را که تا کنون سابقه نداشته است به ما معرفی می‌کند. تصویر شماره‌ی (۷). در اواسط هزاره‌ی چهارم تمدن عیلامی، علاوه بر اینکه در آثار این تمدن گونه‌ای از رشد و پیشرفت جلوه‌های بصری به چشم می‌خورد، شاهد پررنگ شدن نقش تزیینات به صورت کاربردی هستیم؛ تزیینات و تصاویری که در برخی آثار از جمله مهرها و لوح‌ها با شکل‌گیری سیستم شهرنشینی باب گردید و کاربرد اداری و رسمی در مبادلات تجاری پیدا نمود. تصویر شماره‌ی (۸). از این پس در آثار عیلامی مربوط به شوش که لوح‌ها و مهرها را در بر می‌گیرد، بیان موضوعی و توصیف نمایش بیشتری پیدا می‌کند. این تصویر با توجه به تکنیک اجرایی و نقش روی مهر فضایی بصری متمایزی از آثار گذشته را به نمایش گذاشته است. موضوع این تصویر عبارت است از: «شکل اصلی مربوط به الهه یا پری که دستان خود را به نشان حمایت و نگهداری از جانورانی که به شکل دایره در پیرامون آن نقش بسته‌اند باز کرده است. در آثار شرقی ارباب انواع به شکل انسان بوده است.» (پیرامیه، ۱۳۷۰: ۸۸) این اثر که به لحاظ زمانی هزار سال پس از آثار اولیه‌ی تمدن عیلامی به وجود آمده است از اولین حکاکی‌های هنر شوشی عیلامی به شمار می‌آید که در قالبی نو، با فضایی جدید شکل گرفته است، تکرار عناصر بصری موجود در این اثر و نشانه‌های مشترک آن با آثار قبلی مانند سفال و باز تکرار برخی از ترکیب‌های مثلث، گونه‌ای از هویت بصری را در آثار عیلامی به نمایش می‌گذارد. تصویر شماره‌ی (۹ و ۱۰) تصاویر دیگری هستند که مهری با کاربرد مشابه تصویر قبلی را نشان می‌دهد؛ با این تفاوت که روش حکاکی جدید این آثار، به گونه‌ای گرایش هنرمند آن زمانه را به استفاده از خطوط نرم نشان می‌دهد. عدم وضوح و نرم‌تر شدن خطوط این مهرها بر ابهام و ناشناخته بودن موجودات درون تصویر افزوده است.

مشاهده‌ی این تصاویر دیدگاه ما را به تقویت گمان باستان‌شناسان که، توجه به موجودات ناشناخته به گونه‌ای در باورهای هنرمند آن دوره وجود داشته و این گرایش در هزاره‌ی دوم و سوم در قامت موجودات ناشناخته‌ای مانند گریفون^{۱۸} متبلور شده است، افزون‌تر می‌نماید. تصاویر دیگری که در چند مهر مربوط به نیمه‌ی دوم هزاره‌ی چهارم (ق.م) دیده می‌شود، نشانه‌ها و علائمی هستند که به عنوان نماد شمارش یا واحدهای شمارش چون ده‌گان و صدگان بوده‌اند، این علامات و نشانه‌ها هر کدام نماد مشخصی بوده‌اند که در شمارش کاربرد داشته‌اند. در برخی از تصاویر این مهرها شمایل انسانی و حیوانی به چشم می‌خورد، این تصاویر نشان‌دهنده‌ی تکاپو و کوشش هنرمند آن دوره برای به وجود آوردن خط است، وجود چند اثر با موضوع یکسان ثابت می‌کند که در سده‌های پایانی هزاره‌ی چهارم کاربرد تصویر علاوه بر جنبه‌ی تزیینی و هویت بخشی کالاها و امور اداری در تبادلات ضروری مردم نیز نقش انکارناپذیری داشته است. تصویر (۱۱). از نیمه‌ی دوم هزاره چهارم به بعد جنبه‌های روایت گونه و توصیفی که امور روزمره مردم را نشان می‌دهد در تصاویر عیلامی پدیدار می‌گردد. موضوعاتی مانند هدیه دادن، انبار کردن گاه و غلات، جمع آوری آذوقه، امور مربوط به کشاورزی و سایر مسائل روزمره از جمله‌ی این موضوعات هستند تصویر (۱۲ و ۱۳ و ۱۴). چنین به نظر می‌رسد مهرها و لوح‌ها با رونق خود در عرصه‌ی اجتماعات آن زمان نقش بی بدیلی در به تصویر کشیدن اتفاقات آن زمانه به عهده داشته‌اند و در ارائه تصویر از زمانه‌ی خود جایگاه بسیار مهمی یافته‌اند به گونه‌ای که بعدها این گونه تصویرسازی دنباله‌دار به جام‌های زرین و سنگ‌نگاره‌ها تسری یافت. مستندات این مدعی مجموعه تصاویر رسامی شده از روی برخی از مهرهای عیلامی است که «والتر هینتس» به برخی از آن‌ها اشاره نموده است.



تصویر ۷:
ظرف اندازه گیری
اواسط هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیرامیه)



تصویر ۸:
مهر
اواسط هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیرامیه)

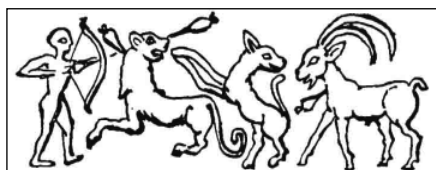


تصویر ۹:
مهر
اواسط هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیرامیه)



تصویر ۱۰:

مهر
اواسط هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: کتاب تاریخ عیلام (پیر آمیه)



تصویر ۱۱:

اثر رسامی شده از مهر
زمان نامشخص
منبع تصویر: کتاب دنیای گمشده والتر هینتس



تصویر ۱۲:

اثر مهر استوانه‌ای
۲۷۰۰ ق.م
منبع تصویر: کتاب تاریخ عیلام (پیر آمیه)

تصویر دیگری که مربوط به تمدن عیلامی است و روایتی مفصل و توصیفی در آن مصور گشته جام «ارجان» است که در پنج نوار جداگانه در درون جامی دایره شکل، موضوع فتوحات پادشاه عیلامی را به تصویر کشیده است. تصویر شماره (۱۵). در این لوح علاوه بر روش اجرایی متفاوت و تزئیناتی دقیق تر حواشی و نقوش نوارهای مختلف جدا کننده این جام کاملاً امروزی به نظر می‌رسد. وجود برخی از عناصر ابزارهای بومی منطقه‌ی و اقلیمی خوزستان مانند درخت نخل و بادبزن در برخی از آثار عیلامی، به گمانه‌ی اصالت آثار عیلامی کمک شایانی می‌نماید. به طور کلی با مطالعه‌ی آثار و تصاویر تمدن عیلامی چنین استنباط می‌گردد که این تمدن در طول حیات طولانی و پر فراز و فرود خود فارغ از تجربه‌ی تمدن‌های پیشین، در کنار همسایگان خود کلیه‌ی مراحل رشد و تکامل تصویر را از سر گذرانده است، از اشکال هندسی ساده گرفته تا خلاصه‌سازی اشکال انسانی و حیوانی و ترکیب تصاویر با تلفیق عناصر مختلف انسانی، حیوانی و گیاهی و تلفیق آن‌ها با اشکال هندسی، توجه و تأکید بر برجسته‌سازی که در گرافیک امروزی رایج است و تصویرسازی داستان‌های دنباله‌دار در مهرهای استوانه‌ای (سیلندری)، مؤید این مدعی است.

همچنین در آثار این تمدن گونه‌ای از گرایش به تکرار و بازنمایی برخی از فرم‌ها از جمله مثلث به دفعات متعدد به چشم می‌خورد. تمدن عیلامی در سیر حرکت خود با کسب تجربه‌ی فراوان از همسایگان متمدنش و بهره‌گیری از تجربه‌های عصر طلایی خود^{۱۹} که منجر به توسعه به نقاط شمالی تر خود گردید توانست حیات بصری خود را در قالب موادی چون سنگ نگاره‌ها جام‌ها و نگارکندها ادامه دهد و جان تازه‌ای به حیات پر سابقه خود ببخشد.

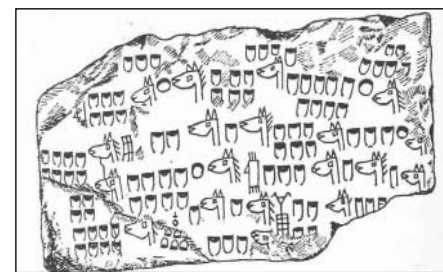
تصاویر تمدن عیلامی با توجه به محتوی آن‌ها، بسته به جنس و موادی که آثار بر آن‌ها نقش بسته است، به سه دسته‌ی عمده قابل تقسیم بندی می‌باشند: ۱- سفال‌ها ۲- مهرها ۳- سنگ نگاره‌ها و جام‌ها. سفال‌ها اولین آثار یافت شده مصور تمدن عیلامی هستند که دارای ویژگی‌های تزئینی مانند تصویر (۲ و ۱) هستند. ویژگی تزئینی سفال‌ها در ظروف ته گود کاربرد داشته است، در حالی که ویژگی‌های غالباً نمادگرایانه در ظروف کیل (اندازه‌گیری) به کار می‌رفته است، مانند تصویر (۲ و ۵ و ۶)، اما وجه مشترک تصاویر سفالین تکرار و کاربرد شکل مثلث و بعضاً نیم دایره است که در این اشیاء به طرق مختلف دیده می‌شود. تصاویر (۱ تا ۷). چه در فضای مثبت و چه در فضای منفی تصاویر یاد شده گونه‌ای از بازنمایی اشکال ذکر شده را در آثار عیلامی شاهد هستیم. اغراق نمایی^{۲۰} نیز از دیگر ویژگی‌های تصاویر سفالی است که به زیباترین شکل نمونه‌های آن در تصاویر (۷ و ۶) مشخص است. در تصویر شماره‌ی (۷) تصویر بز در مرکز لیوان سفالی و تصویر پرنده‌ای مانند لک در نوار بالا، تصویر حیوانی مانند سگ در نوار میانی این لیوان، نمونه‌های اغراق و تأکید در این اثر هستند. مهرها و خصوصاً مهرهای استوانه‌ای از اواسط هزاره‌ی چهارم به دلیل ماهیت کاربردی خود، که به عنوان هویت ظروف به کار می‌رفت، رونق قابل ملاحظه‌ای یافتند. این اشیاء با توجه به ویژگی‌های اشاره شده، خود به لحاظ تکنیکی و موضوعی باعث وجود تحولات تازه‌ای در آثار مصور این تمدن شده‌اند. در تصاویر مهرها روش اجرایی حکاکی جای مرکب را می‌گیرد و تصاویر موضوعی و داستانی و اسطوره‌ای جای موضوعات تزئینی را می‌گیرد.

به نظر می‌رسد واقع‌گرایی به گونه‌ای در آثار این تمدن، با رونق مهرها اوج می‌گیرد و داستان‌های دنباله دار و توصیفی با به وجود آمدن مهرهای استوانه‌ای به اوج شکوفایی و درخشش خود می‌رسد. مهرهای استوانه‌ای تمدن عیلامی از مهم‌ترین آثار این تمدن هستند که مضامین و موضوعاتی گوناگون اجتماعی، سیاسی، مذهبی و باورها را می‌توان در درون آن‌ها دید. به نظر می‌رسد این ویژگی و قابلیت از حالت نوارگونه و حرکت افقی تصویر در این مهرها ناشی شده است و باعث خلق تصاویر دنباله‌دار گشته است. تصویر شماره‌ی (۱۲). «جنس این

مهرها که از موادی مانند سنگ آهن، سنگ یمانی، سنگ یشم، یشم ختایی، سنگ سلیمانی، سنگ لاجورد و غیره بوده است و تصاویری از مظاهر طبیعی مانند درخت زندگی، مظهر فراوانی، رب النوع، رویدنی ها، مار که مظهر آب های زیر زمینی است، اجرام سماوی مانند قرص خورشید، هلال ماه و بسیاری از ایزدان یا مظاهر آنان دیده شده است» (ملک زاده بیانی، ۱۳۶۳: ۱۱-۱۵). موضوع مهم دیگر پیرامون مهرهای استوانه‌ای تنوع تکنیکی و روش اجرایی این آثار می باشد که در تصاویر شماره‌ی (۹۰ و ۹۱ و ۱۲ و ۱۳) قابل رؤیت است. مهرهای استوانه‌ای که در شمار اولین اسناد اداری و شهروندی بشری کاربرد داشته‌اند یکی از پرشمارترین آثار مصور توصیفی تمدن عیلامی به شمار می‌روند. سنگ نگاره‌ها و جام‌ها پس از مهرها مواد دیگری هستند که روی آن‌ها تصاویر مختلفی نقش بسته است. عمده‌ی تصاویر سنگ نگاره‌ها و جام‌ها موضوعات آیینی و فتوحات پادشاهان را در بر می‌گیرد. همان گونه که اشاره شد به نظر می‌رسد موضوعات توصیفی از درون مهرهای هزاره‌ی چهارم به جام‌ها و سنگ‌نگارهای عیلام جدید نفوذ یافته باشد. تصویر شماره‌ی (۱۵) که مربوط به دوره‌ی عیلام جدید است، یکی از مهم‌ترین تصاویر توصیفی و روایی است که به صورت پیوسته مصور شده است. با پیش‌رو قرار دادن این موضوع، چنین به نظر می‌رسد که تمدن عیلامی در اولین تصاویر خود با نقوش ساده‌ی تزئینی به جرگه تمدن‌های تصویری دنیا پیوست، سپس با تصاویری مرکب از شمایل‌های انسانی و حیوانی که در دوره‌های مختلف شیوه‌های اجرا و ارائه مختلفی داشته، فرهنگ بصری خود را هم پای تمدن‌های همسایه توسعه داد. پس از آن موضوعات روایی به وجود آمدند و در پی آن ابزاری جدید مانند سنگ نگاره و ظروف فلزی که غالباً مربوط به مناطق کوهستانی دوره‌ی عیلام جدید است به کار رفت. مجموعه آثار مورد اشاره‌ی تمدن عیلامی در این مقاله، به مثابه مرور یک دوره‌ی کامل آموزشی هنرهای تجسمی امروزی از پایه‌ی متوسطه تا تحصیلات تکمیلی است. امروزه آموزش رشته‌های تجسمی با آموزش چگونگی کارکرد عناصر بصری مانند خط، نقطه، سطح و مانند این‌ها آغاز می‌گردد و سپس مسائل زیباشناسی و ترکیب‌بندی آن‌ها و در نهایت توسعه‌ی طراحی و سپس تجربه‌ی بیان بصری را در ابعاد و زمینه‌های گوناگون به دنبال دارد. با مقایسه‌ی آثار عیلامی با روند آموزشی امروزی هنرهای تجسمی این تشابه قابل درک است با این حال پاسخ سؤالات طرح‌شده در مقدمه به این شرح است: تمدن عیلامی در طول حیات خود از اشکال ساده‌ی تزئینی هندسی و عناصر بصری تجسمی امروزی و ابتدایی‌ترین روش و اجرا تا توسعه یافته‌ترین آثار تصویری را تجربه نموده، همچنین در بسیاری از روایات توصیفی از انواع و اقسام شخصیت‌های انسانی و حیوانی و هندسی و ترکیب آن‌ها در کنار هم در یک اثر بهره جسته است و در طول حیات خود ناظر پیشرفت بصری قابل ملاحظه‌ای بوده و تحولات و شیوه‌های اجرایی ابتدایی تا پیشرفته را نیز، در طی روزگار ۴۰۰۰ ساله خود آزموده است.



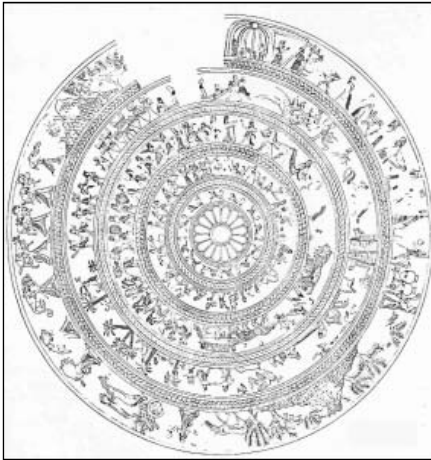
تصویر ۱۲:
اثر مهر استوانه‌ای
نیمه دوم هزاره چهارم ق.م
منبع تصویر: تاریخ عیلام (پیر آمیه)



تصویر ۱۴:
تصویر رسامی شده از مهر
زمان نامشخص
منبع تصویر: دنیای گمشده عیلام والتر هینتس

نتیجه

به گمان باستان‌شناسان آثار مصور تمدن عیلامی علی‌رغم هم‌گونی‌های فراوان با همسایگان پیشرفته و توسعه‌یافته‌ی خود، تفاوت‌های آشکاری نیز با آنان دارد. بر پایه‌ی روایت کتب باستان‌شناسی و تاریخ، تأثیرگذاری و الهام‌گیری این تمدن از فرهنگ بصری همسایگانش غالباً بر اساس سیطره‌طلبی و برتری‌جویی و در مواردی هم بر پایه‌ی روابط همسایگی و حسن همجواری بوده است، به همین دلیل همسانی‌های متعددی بین آثار این تمدن و همسایگانش مانند اکد، بابل، سومر و آشور وجود دارد و در موارد متعددی پیش آمده است که آثار یافت شده در محدوده‌ی یک تمدن متعلق به تمدنی دیگر باشد که در طول جنگ و ستیزهای



تصویر ۱۵:
تصویر از جام ارجان
منبع تصویر: مجله اثر شماره ۷

متوالی دست به دست گشته است. لوح سنگی «ترم سین»^{۲۱} پادشاه آکاد و لوح حمورابی «قانون حمورابی» پادشاه بابل از این نمونه‌اند. با پیش‌رو قرار دادن این نگاه، فرآیند تاریخی شکل‌گیری تصویر در تمدن عیلامی که بر اساس قدیمی‌ترین آثار توسط باستان‌شناسان چیدمان شده است، این موضوع معنادار را بر ما آشکار سازد که آثار مصور تمدن عیلامی در مسیر تعالی خود آهنگی رو به رشد و بالنده داشته، بدین‌سان که از اشکال هندسی تزئینی شروع شده، سپس با تصاویر انسانی و حیوانی ادامه یافته، در گام‌های بعدی انبوهی از تصاویر هندسی، انسانی، حیوانی و سایر اشکال با ترکیبی گیرا، مقبول و هماهنگ در کنار هم قرار می‌گیرد و بسیاری از ترفندهای تجسمی امروزی در آثار از جمله تکرار، تاکید، اغراق، ریتم، حرکت، بیان نمادین و بیان توصیفی در آثار این تمدن وجود دارد، بنابراین با استناد به تاریخ‌گذاری آثار مصور عیلامی توسط باستان‌شناسان، و مقایسه‌ی آن با آموزش امروزی هنرهای تجسمی نقاط مشترکی وجود دارد، به نظر می‌رسد این تمدن فارغ از تجربه‌های چند هزار ساله‌ی تمدن‌های پیش از زمان خود، تمامی مراحل رشد و تکامل تصویر را در درون خود داشته باشد و از همین منظر است که، در مجموعه آثارش، ابتدایی‌ترین و پیشرفته‌ترین گونه‌های تصویری را به لحاظ موضوع و روش اجرایی (تکنیک) نظاره‌گر هستیم. همچنین در تصاویر این تمدن مجموعه‌ای از موضوعات توصیفی و روایی را که عمدتاً در قالب مهرها، لوح‌ها، جام‌ها و بعضاً در میان سنگ نگاره‌ها می‌باشد، با تکنیک و روش اجرایی پیشرفته شاهد هستیم که اوج چیره‌دستی و توان تصویرگران این تمدن را بر ما روشن می‌سازد. فرآیند اشاره شده بی‌شبهت به الگوهای آموزشی رایج امروزی نیست. همچنین تکرار و بازنمایی برخی از اشکال مانند مثلث ضمن این که آثار این تمدن را دارای هویت بصری خاصی می‌کند، بیان نمادین برخی از اشکال را، بر ما روشن می‌سازد. با رؤیت تصاویر ارائه شده در متن، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تمدن عیلامی در فرآیندی تدریجی، آرام و منطقی سیر کمال و رشد خود را با تأثیر و گاهی بدون تأثیر از همسایگان خود طی نموده و در انتهای حیات خود نهایت برومندی بلوغ و بر کشیدگی را آزموده است که تأثیر آن به گمان باستان‌شناسان تا اعماق تاریخ پیش از اسلام ایران (دوره‌ی ساسانی) پدیدار بوده است. به لحاظ محتوایی نیز آثار مصور تمدن عیلامی تجربه‌های کارکردی مختلفی از جمله تزئینی، نمادگرایانه، واقع‌گرایی، روایی و توصیفی و تلاش در جهت نیل به الفبایی را که مبنای اولیه‌ی آن تصویر بود، نیز از سر گذرانده است. وجود بیان گرافیکی امروزی در بسیاری از این آثار، گرچه ممکن است اغراق به نظر برسد، اما نگاهی دوباره به برخی از تصاویر این مقاله، شاید ما را در این زمینه اقناع نماید.

پی نوشت:

- ۱- لوح حمورابی پادشاه بابل، اولین سند مکتوب قانون دنیا، که در شوش به دست آمده است.
- ۲- پیدایش خط منسوب به تمدن سومر است که در همسایگی با تمدن عیلامی وهم عصر آن بوده است.
- ۳- اولین چرخ سفالگری در شوش اختراع گردید. به نقل از کتلب تاریخ تمدن ویل دورانت جلد ۸ مشرق زمین گاهواره تمدن صفحه....
- ۴- اولین آثار تاریخ گذاری شده بر اساس کتاب تاریخ عیلام پیرامیه از اواخر هزاره‌ی پنجم می‌باشد بر این اساس این تاریخ تقریبی ذکر شده است.
- ۵- Pierre amiet موزه دار فرانسوی موزه لور و نویسنده کتاب تاریخ عیلام.
- ۶- walter Henz عیلام شناسان بزرگ آلمانی مولف کتاب دنیای گمشده‌ی عیلام.
- ۷- Glenn George Cameron عیلام شناس امریکایی مولف کتاب ایران در سپیده دم تاریخ.
- ۸- Roman Ghirshman عیلام شناس فرانسوی و مولف کتاب ایران از آغاز تا اسلام و سرپرست هیأت کاوشگران فرانسوی در ایران.
- ۹- Louis le breton مولف فرانسوی کتاب سفال سازی شوش.
- ۱۰- Helen kantor عیلام شناس امریکایی.
- ۱۱- Edith Parado عیلام شناس مجموعه ۶ کتاب جغازمبیل و مولف کتاب مهرهای عیلام.
- ۱۲- pop, artur upham مولف مجموعه کتاب‌های سیری در هنر ایران، آرتور اپهام پوپ.
- ۱۳- Acarman, Phyllis، فیلیس اکرمین همکار وهمسر، آرتور اپهام پوپ مولف مجموعه کتاب‌های سیری در هنر ایران.
- ۱۴- تاریخ ایلام، یوسف مجیدزاده، ناشر نشر دانشگاهی، صفحه‌ی مقدمه، پاراگراف سوم.
- ۱۵- cot mark خط چینی که معمولاً مسیر برش و یا تا کاغذ را مشخص می‌کند.
- ۱۶- Grid خطوط راهنما در صفحه آرایی.
- ۱۷- stylize ترجمه این کلمه به فارسی، سبک گرفته یا شیوه یافته است، در گرافیک به خلاصه‌سازنمایی تصاویر اطلاق می‌شود.
- ۱۸- grrifon گریفون موجودی که در تصاویر عیلامی به دفعات متعدد دیده شده است دیده شده سر آن شیر و تن آن مانند عقاب است.
- ۱۹- دوران عصر طلایی تمدن عیلامی مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد است. دوره‌ای که تمدن عیلامی بر همسایگان خود استیلا داشته است.
- ۲۰- deforme
- ۲۱- naram sin پادشاه بابل «به نقل از کتاب تاریخ عیلام آمده صفحه ۱۶.

منابع:

- آمیه، پیر (۱۳۸۰)، تاریخ عیلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی، تهران.
- افشار نیا، بهرام (۱۳۸۰)، شناخت هنر گرافیک، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- اقبال، هایده (۱۳۷۶)، مترجم شوش. جنوب غربی ایران (گروه نویسندگان) تهران، مرکز نشر دانشگاهی، انجمن ایران شناسی فرانسه.
- پراده، ادیت (۱۳۷۵)، جغازنبیل، جلد چهارم، حکاکی‌ها، ترجمه اصغر کریمی، تهران، انتشارات میراث فرهنگی.
- پوپ، آرتور ایم (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، گروه مترجمان، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- کامرون، جورج (۱۳۸۷)، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- گاردنر، هلن (۱۳۸۶)، هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، انتشارات آگاه.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۳)، جغازنبیل، جلد اول زیگورات، ترجمه اصغر کریمی، تهران، انتشارات میراث فرهنگی.
- قدیانی، عباس، (۱۳۸۷)، شوش بهشت شهرهای عیلام، تهران، ناشر فرهنگ مکتوب.
- گیرش من، رومن (۱۳۵۵)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مجید زاده، یوسف (۱۳۷۶)، تاریخ و تمدن عیلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- مهری، ایران (۱۳۷۸)، تاریخ هنر ایران، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- ملک زاده بیانی (۱۳۶۳)، تاریخ مهر در ایران، تهران، انتشارات یزدان.
- ناصحی، محمدعلی (۱۳۷۸)، تاریخ هنر جهان، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
- نگهبان، عزت‌الله (۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه، تهران، ناشر میراث فرهنگی.
- ویل و آریل دورانت (۱۳۸۴)، مشرق زمین گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام، جلد هشتم، ترجمه ناشر، تهران، چاپ و نشر انقلاب اسلامی.
- هیتس، والتز (۱۳۷۲)، دنیای گمشده عیلام، ترجمه فیروز فیروز نیا، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.